

مجموعه خلاصه مقالات
اولین همایش تاریخ، فلسفه و منطق زیست شناسی

۸ بهمن ۱۳۸۸

دانشگاه فردوسی مشهد
باهمکاری انجمن زیست شناسی ایران

رئیس همایش:
دکتر علیرضا عاشوری

دبیر همایش:
جمشید درویش

مدیر اجرایی همایش:
امید میر شمسی کاخکی

کمیته علمی:
علی حقی
جمشید درویش
دکتر محمد حسین دهقانی فیروز آبادی
امید میر شمسی کاخکی

کمیته اجرایی:
امید میر شمسی کاخکی
زیبا غلامی
نسرین کیوانفر
آرزو اعلم
محمود خسروی
حمیده قوامی
ملاحت دیانت
مریم جنگجو
علی غلامحسینی

تبیین غایت‌شناسی در زیست‌شناسی ارسطو

دکتر علی حقی

دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد

چه نوع تبیینی برای یک روی داد باید جست؟ فهم درست و کافی یک حادثه چگونه و متشکل از چه عناصری باید باشد. از نظر ارسطو تبیین یک چیز با یک امر بر وفق صورت حقیقی یا ذات معقول آن و غایتی که داشت و هدفی که بر می آورد انجام می شد. مثلاً چرا اشیا سقوط می کنند؟ از نظر ارسطو و پیروانش حرکت طبق تمایل ذاتی هر چیز به باز جست قرارگاه طبیعی اش، تبیین می شود. قرارگاه طبیعی اش، تبیین می شود. قرارگاه یا «مقر طبیعی» آتش بالاست و مقر خاک پایین است. اشیا سنگین تر گرایش نیرومندتری به سمت اسفل دارند و لذا باید سریع تر سقوط کنند. غایت حرکت - غایت به هر دو معنا، هم به معنای نهایت و هر به معنای غرض و غایت نه بیش تر مورد توجه است تا جریان هایی که در آن میان و پیش از آن اتفاق می افتد. چرا دانه ی بلوط رشد می کند؟ برای این که درخت بلوط شود. چرا باران می بارد؟ برای این نباتات سیراب شوند. بدین جهت علیت با توجه به هدف های آینده (علل نهایی) و تمایلات ذاتی (علل صوری) توصیف می شود، نه صرفاً با آثار رویدادهای گذشته (علل فاعلی) که بر مواد متفعل و مستعد (علل مادی) عمل می کند.

غایت یا غرض آتی لازم نیست به نحوی آگاهانه در موجودی وجود داشته باشد (مثلاً در دل دانه ی بلوط) بلکه در ماهیت او سرشته است، به طوری که به صرافت طبع و طبیعتش، غرض و غایتی را که مقتضای نوع اوست بر می آورد.

این جست و جوی غایات تا حدی نتیجه ی این تصور بود که هر چیز برای خود جایی در سلسله مراتب هستی دارد. به علت همین تصور، یعنی معقول یا عقلانی انگاشتن جهان، علم یونانی و بعد علم قرون وسطایی عمدتاً قیاسی بود (یعنی از اصول و قضایای کلی به موارد و مصادیق جزئی آن اصول استدلال می کرد) و نه استقرایی (که از موارد و مشاهدات جزئی آغاز کند و آنها را تعمیم دهد).

سخنان فوق به این معنا نیست که در علم ارسطویی مشاهده جایی نداشت. ارسطو خود در رده بندی زیست شناختی پژوهش های معتابهی کرده بود که مستلزم مشاهده دقیق بود. ولی بحث غایت یعنی همان مساله ی هدف دار و با قصد و غرض انگاشتن هر چیز و هر کار، علی الاصول جای خود را به نظریه‌هایی که بتوان با تجربه‌های بیش تر امتحانشان کرد، پرداخته بود. این که هیچ چیزی بی هدف نیست و هر چیزی در طبیعت غایت و کارکرد مخصوص خودش را دارد به این نتیجه می انجامد که طبیعت همه جا در پی نیل به بهترین امکان است.

امام ابن ویزگی نفی کننده ی اصل مکانیسم نیست. پژوهش در علل مکانیکی بخشی از وظیفه ی علم به شمار می رود. اما علت های مکانیکی در نهایت غایت انگارانه از آب در می آیند، چرا که علت راستین همان علت غایی است. در خاتمه این نکته گفتنی است که ارسطو نظرگاه غایت انگارانه را در جایی دخالت می دهد که وسایل عادی برای تعلیل امور طبیعی از کار باز می مانند. حیات طبیعی در حقیقت برای ارسطو به دو حوزه تقسیم می شود که در یکی ضرورت جاری است و در دیگری غایت. با این تحلیل وی هم کسانی را نکهش می کند که آن جا که تنها ضرورت مکانیکی حاکم است به وجود غایات طبیعی قائل می شوند و هم متفکرانی را که مانند اصحاب نظریه ی اتم سوال از غایت را به یک سو می نهند.

واژه های کلیدی: ۱- تبیین غایی، ماده و صورت، علل چهارگانه، علت مکانیکی، جوهر طبیعی، اعراض ذاتی، درجات وجود، کون و فساد. من همیشه لینه و کوویه را هم چون خدایان ستوده ام ولی اینان در مقایسه با مصنف کتاب «دریاره اجزای حیوانات» مانند نوموزانتند. (داروین)